

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

مقدمه ناشر

ادبیات هر کشور یعنی مجموعه‌ای از دانش و فرهنگ و تاریخ اون کشور ...
شما رمان‌های معروف دنیا رو که بخونی، انگار که یه دور جهانگردی
کردی و کل دنیا رو گشتی.

اون قدر که می‌شه از شاعرها و نویسنده‌ها یاد گرفت شاید نشه از دانشمندا
یاد بگیری ... در واقع نویسنده‌ها می‌تونن شما رو از دنیای خودتون بیرون
بیارن و پرتتون کنن تو دنیای جذاب خودشون.

شنیدید می‌گن: «فقر واقعی، فقدان کتاب است»؟

شما رو دعوت می‌کنیم به خوندن رمان‌های معروف ایران و کل دنیا ...
ممنون از دکتر غلامی گرامی برای آشناکردن ما با قلمروهای مختلف
زبان فارسی و تألیف این کتاب جیبی، که خیال همه رو برای موفقیت تو
امتحانات راحت کردند.

ممنون از تیم تولید و محتوای خیلی سبز که همیشه بهترین‌ها رو تولید
می‌کنن.

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

تقدیم به دکتر حسین کیا و دکتر محمد رضائی که از دوستی با آنها شادمانی‌ها برده‌ام.

مقدمه مؤلف

۱. اصلاً چرا ادبیات می‌خوانیم؟

در باب کارکرد ادبیات، نظرات متفاوت و متنوعی وجود دارد؛ یکی از بارزترین کارکردهای ادبیات که بر سر آن اتفاق نظر وجود دارد این است که ادبیات، با آفرینش دنیای آرمانی و رؤیایی آدمی، تلاش می‌کند تا اندکی از سرشت سوگناک و غمبار زندگی بکاهد. شاعران و نویسندگان با استفاده از ابزاری به نام «تخیل»، شکل تحقق‌یافته آرزوهای مان را به ما نشان می‌دهند؛ همان آرزوهایی که به حکم انسان‌بودن و محدودبودن، هیچ‌گاه به آنها دست نمی‌یابیم. ادبیات وسیله جبران ناکامی‌های سرشته در وجود ماست؛ فرشته نجاتی که نازل شده تا ما را برای لحظاتی از غوطه‌خوردن در ملال زندگی رنج‌آور برهاند، پناهگاهی موقتی و بی‌اضطراب برای بشری که «در رنج آفریده شده».^۱ انسان‌ها عموماً آرزوها و آرمان‌هایی مشترک دارند که به تلخی دریافت‌اند هیچ‌گاه در جهان واقعی به آنها نمی‌رسند و ناامیدانه این آرزوها را در ذهن خود مرور می‌کنند. نویسندگان و شعرا تلاش می‌کنند این آرمان‌ها و رؤیایها فقط در اذهان و نفوس آدمیان نمانند و با قلم خود آنها را از پستوی تاریک ذهن بیرون می‌آورند و در آثار ادبی خود جلوه‌گر می‌سازند.

۱- «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ». به راستی آدمی را در رنج آفریدیم. سوره بلد. آیه ۴.

برای خرید این کتاب از مایابوک روی همین جمله کلیک کنید

برای ورود به این دنیای جادویی و لذت بردن از «کلماتی که آتش برمی‌انگیزند»^۱ باید مقدماتی را طی کرد و به ناچار با ترفندها و شگردهای شاعران و نویسندگان باید آشنا شد. بدون دانستن مقدمات، ادبیات همین دوزخ جان‌کاه و کوره استخوان‌سوزی می‌شود که نهاد آموزش و پرورش برای‌مان رقم زده است. این مقدمات شامل شیوه درست خواندن متن، گسترش دایره واژگانی، آشنایی با دستور زبان، دانستن آرایه‌های ادبی، به کار انداختن قوه تخیل و خلاصه، آن چیزی است که به آن «دانش‌ها و مهارت‌های ادبی» می‌گویند. با دانستن این مقدمات، قدرت فهم ادبی ما افزایش می‌یابد و در پی آن، التذاذ ادبی نیز نصیب‌مان می‌شود. این کتاب را با این نیت نوشتیم که همین مقدمات را تا آن‌جا که از دستان برمی‌آید، در شما تقویت کنیم؛ شاید شما هم به جمع دوستداران این دنیای آرمانی بپیوندید.

۲. ساختار کتاب

در ابتدای هر درس دو فهرست واژگانی وجود دارد؛ یکی آن‌چه در واژه‌نامه کتاب آمده و دیگری فهرست واژه‌های مهمی که در درس آمده اما در واژه‌نامه انتهای کتاب نیست. بعد از فهرست واژگان هر درس، دو فهرست املائی ترتیب داده‌ایم؛ یکی واژگان مهم املائی و دیگری کلماتی که در زبان فارسی هم‌آوا دارند. در بخش بعدی که با عنوان «شرح درس» آورده‌ایم، تمام درس شرح داده شده است و به معنی، آرایه و نکات دستوری درس پرداخته‌ایم. در بخش دستور اغلب به موضوعاتی توجه کرده‌ایم که در قلمرو زبانی همان درس به آن پرداخته شده است. می‌دانیم که بخش مهمی از سؤالات امتحان نهایی از قلمروهای سه‌گانه پایان درس‌ها انتخاب می‌شود؛ بنابراین پس از شرح درس،

۱ - غلام آن کلماتم که آتش انگیزد. «حافظ»

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

به همهٔ سؤالات هر سه قلمرو زبانی، ادبی و فکری کتاب پاسخ کامل داده‌ایم.
در نهایت، یک جدول جیبی تاریخ ادبیات، پایان‌بخش کتاب است.

۳. تشکر و قدردانی

■ بدون تعریف و تعارف‌های رایج در مقدمهٔ کتاب‌ها، صمیمانه سپاس‌گزار این دوستان و همکاران گرامی‌ام در انتشارات خیلی سبز هستم:

■ همچون گذشته، از راهنمایی‌های عالمانهٔ استاد ارجمند جناب دکتر کورش بقائی بهره‌ها بردم.

■ ویرایش، تیتربندی، جدول‌بندی و آراستگی ظاهری کتاب را مدیون زحمات بی‌دریغ خانم فاطمه قادری هستم.

■ خانم زهرا خردمند و آقای پیام ابراهیم‌نژاد مسئول پروژه بودند. به لطف ایشان، کار را در کمال آرامش و بدون اضطراب‌های رایج کار تألیف، به پایان بردم.

■ جناب آقای احسان حسینیان مدیر تألیف کتاب‌های جیبی و همکارانشان در این بخش، راهنمایی‌های ارزنده‌ای داشتند.

■ دوستان حرفه‌ای‌ام در واحد تولید، طبق معمول زحمت زیادی کشیدند و اصلاحات و تغییرات کلافه‌کننده و بدخط من را تاب آوردند و بزرگوارانه دم برنیامورند.

به کوی میکده، گریان و سرفکنده روم

چراکه شرم همی‌آیدم ز حاصل خویش

ابوالفضل غلامی

مهرماه ۱۴۰۱

برای خرید این کتاب از مایبوک روی همین جمله کلیک کنید

فهرست مطالب

• ستایش: ملکا، ذکر تو گویم ۹

فصل اول: ادبیات تعلیمی

• درس اول: شکرِ نعمت ۱۵
• درس دوم: مست و هشیار ۳۴

فصل دوم: ادبیات پایداری

• درس سوم: آزادی ۵۱
• درس پنجم: دماندیه ۶۲

فصل سوم: ادبیات غنایی

• درس ششم: نی نامه ۷۹
• درس هفتم: در حقیقت عشق ۹۵

فصل چهارم: ادبیات سفر و زندگی

• درس هشتم: از پاریز تا پاریس ۱۱۱
• درس نهم: کویر ۱۲۷

فصل پنجم: ادبیات انقلاب اسلامی

• درس دهم: فصل شکوفایی ۱۵۲
• درس یازدهم: آن شب عزیز ۱۶۳

فصل ششم: ادبیات حماسی

• درس دوازدهم: گذر سیاوش از ... ۱۷۸
• درس سیزدهم: خوان هشتم ۲۰۲

فصل هفتم: ادبیات داستانی

• درس چهاردهم: سی مرغ و سیمرغ ۲۲۶
• درس شانزدهم: کباب غاز ۲۴۷

فصل هشتم: ادبیات جهان

• درس هفدهم: خنده تو ۲۸۱
• درس هجدهم: عشق جاودانی ۲۹۱
• نیایش: لطف تو ۳۰۳
• تاریخ ادبیات ۳۰۷
• آزمون (۱) نوبت اول ۳۰۹
• آزمون (۲) نوبت دوم ۳۱۴
• پاسخ نامه تشریحی ۳۲۱

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

شکرِ نعمت

درس ۱

واژگان

■ واژه‌نامه‌ای	■ جسیم: خوش‌اندام
■ اعراض: روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی	■ حلیه: زیور، زینت
■ انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی	■ خوان: سفره، سفرهٔ فراخ و گشاده
■ انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی‌شدن	■ دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
■ باسق: بلند، بالیده	■ ربیع: بهار
■ بنات: جمع بنت، دختران	■ روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛ وظیفهٔ روزی: رزق مقرر و معین
■ تاک: درخت انگور، رز	■ شفیع: شفاعت‌کننده، پایمرد
■ تتمه: باقی‌مانده، تتمهٔ دور زمان: مایهٔ تمامی و کمال گردش روزگار، مایهٔ تمامی و کمال دور زمان رسالت	■ شهد: عسل؛ شهد فایق: عسل خالص
■ تحفه: هدیه، ارمغان	■ صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
■ تحیر: سرگشتگی، سرگردانی	■ عاکفان: جمع عاکف، کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
■ تضرع: زاری کردن، التماس کردن	■ عز و جلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه
■ تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن	■ است: بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

عَصَاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره	همان کار مراقبت و مکاشفت است.
فاحش: آشکار، واضح	مَعترف: اقرارکننده، اعتراف کننده
فایق: برگزیده، برتر	مَفخر: هر چه بدان فخر کنند و بنازند؛ مایه افتخار
فَرّاش: فرش گستر، گسترنده فرش	مَفْرَح: شادی بخش، فرح انگیز
قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.	مکاشفت: کشف کردن و آشکار ساختن، در اصطلاح عرفانی، پی بردن به حقایق است.
قدوم: آمدن، قدم نهادن، فرارسیدن	منسوب: نسبت داده شده
قسیم: صاحب جمال	مَنّت: سپاس، شکر، نیکویی
کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان	منکر: زشت، ناپسند
کرامت کردن: عطا کردن، بخشیدن	موسم: فصل، هنگام، زمان
مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه داشتن دل از توجه به غیر حق	ناموس: آبرو، شرافت
مزید: افزونی، زیادی	نبات: گیاه، رُستنی
مُطاع: فرمانروا، اطاعت شده، کسی که دیگری فرمان او را می‌برد.	نبی: پیغمبر، پیام‌آور، رسول
معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی؛ در متن درس، مقصود	نسیم: خوش بو
	واصفان: جمع واصف، وصف کنندگان، ستاینندگان
	ورق: برگ
	وسیم: دارای نشان پیامبری
	وظیفه: مقرری، وجه معاش

غیرواژه‌نامه‌ای	بحر: دریا
اجابت: برآوردن، قبول کردن	بط: مرغابی
اصحاب: ج صاحب، یاران	بی دریغ: بی مضایقه، بدون بخل

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مایابوک روی همین جمله کلیک کنید

- **پشتیبان:** چوبی که به جهت استحکام
 ● **دعوت:** خواسته، خواهش
 ● **زمرّدین:** مثل زمرّد، منسوب به زمرّد،
 ● **سبزرنگ**
 ● **تعالی:** برتر است
 ● **جَلّ و علا:** بزرگ و بلندمرتبه است
 ● **صاحب دل:** عارف، آگاه
 ● **جَبیب:** یقه، گریبان
 ● **قُرَبَت:** نزدیکی
 ● **خِصال:** جمع خصلت، خوی‌ها خواه
 ● **کَلک:** هر نی میان خالی، قلم
 ● **نیک باشد یا بد**
 ● **مستغرق:** غرق شده
 ● **خلعت:** هدیه؛ مخصوصاً لباس که
 ● **مهد:** گهواره
 ● **بزرگی به کسی ببخشد.**
 ● **نقش برکشیدن:** نقاشی کردن
 ● **دُجی:** تاریکی‌ها، ظلمت‌ها، جمع دُجیه

● ● ● **واژگان مهم ادبیاتی** ● ● ● اعراض و روگردانی - انابت و توبه - انبساط و خودمانی‌شدن - باد صبا - باسق و بلند - بحر و دریا - بط و مرغابی - تحفه و هدیه - تضرّع و زاری - تقصیر و کوتاهی - ثمره و نتیجه - حلیه و زینت - حیات و زندگی - خوان و سفره - شهید فایق - صفوت و برگزیده - عاکف و گوشه‌نشین - عصاره و شیر - قربت و نزدیکی - مستغرق و غرق شده - مطاع و فرمانروا - مفترّح و شادی‌بخش - منسوب و نسبت داده شده - مهد زمین - واصف و توصیف‌کننده

واژه‌هایی که هم‌آوا دارند

بحر	دریا	حیات	زندگی	خوان	سفره
بهر	برای	حیات	محوطه‌ای روباز در خانه	خان	رئیس
صبا	نوعی باد	قربت	نزدیکی	منسوب	نسبت داده شده
سبا	شهری که بلقیس ملکه آن بود	غربت	بیگانگی	منصوب	نصب شده، گماشته

pdf.جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مَدابوک روی همین جمله کلیک کنید

شرح درس اول^۱

مَنْتَ خدای را، عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت.

معنی: سپاس مخصوص خدایی بزرگ و بلندمرتبه است که عبادت کردن باعث نزدیک شدن به اوست و شکرگزاری به درگاهش، باعث زیادی نعمت می شود.

مفهوم: عبادت باعث نزدیکی به خداست / شکر، باعث زیاد شدن نعمت است.

قلمرو ادبی: سجع: قربت و نعمت / تلمیح: به بخشی از آیه ۷ سورة ابراهیم: ﴿لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾: اگر شکر کنید [نعمتان را] افزون خواهم کرد.

قلمرو زبانی: «را» حرف اضافه است به معنی «برای». بعد از واژه «نعمت»، فعل «است» به قرینه لفظی حذف شده است: به شکر اندرش مزید نعمت [است]

هر نفسی که فرومی رود مِمَدِّ حیات است و چون برمی آید، مَفَرَحِ ذات.

معنی: هر نفسی که پایین می رود یاریگر زندگی است و چون بیرون می آید شادکننده درون و وجود است.

قلمرو ادبی: سجع: حیات و ذات / تضاد: فرومی رود و برمی آید

قلمرو زبانی: فعل «است» به قرینه لفظی حذف شده است: مَفَرَحِ ذات [است].

پس در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

معنی: پس در هر نفس دو نعمت وجود دارد^۲ و برای هر نعمتی، یک شکر، واجب است.

مفهوم: شکر خداوند، واجب است.

قلمرو زبانی: فعل «است» به قرینه لفظی محذوف است: بر هر نعمتی شکری واجب [است].

۱- از کتاب «گلستان» اثر سعدی

۲- منظور از «دو نعمت»، یکی مِمَدِّ حیات بودن دم است و دیگری مَفَرَحِ ذات بودن بازدم.

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مایابوک روی همین جمله کلیک کنید

از دست و زبان که برآید / کز عهده شکرش به درآید؟

معنی: کسی با کردار و با گفتارش نمی‌تواند شکر خدا را به جا بیاورد.

مفهوم: ناتوانی انسان در شکرگزاری

قلمرو ادبی: پرسش در مصراع نخست از نوع انکاری است: از دست و زبان

که برآید؟ ➤ از دست و زبان کسی بر نمی‌آید. / مجاز: دست ➤ عمل -

زبان ➤ گفتار / جناس ناهمسان: برآید و درآید / کنایه: از دست برآمدن ➤

توانایی انجام کاری را داشتن

قلمرو زبانی: «که» در مصراع نخست و «ش» در «شکرش» مضاف‌الیه هستند.

﴿اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ﴾

معنی: ای خاندان داود، شکر به جای آورید و بندگان شکرگزار من کم هستند.

قلمرو ادبی: تضمین: آوردن بخشی از آیه ۱۳ سوره سبأ

بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد

ورنه سزاوار خداوندیش / کس نتواند که به جای آورد

معنی: بنده بهتر است به علت کوتاهی [در شکرگزاری] به درگاه الهی

توبه کند، و گرنه آن چنان که سزاوار خداوندی خداست، کسی نمی‌تواند

شکرش را به جای آورد.

مفهوم: لزوم طلب کردن بخشش / ناتوانی انسان در حق‌گزاری و شکرگزاری

قلمرو ادبی: قالب شعر قطعه است و «آورد» ردیف شعر و «خدای و جای»

قافیه هستند.

قلمرو زبانی: در مصراع نخست بیت اول، فعل «است» به قرینه معنوی حذف شده

است: بنده همان بهتر [است] «ش» در «خداوندیش»، مضاف‌الیه است.

باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

معنی: رحمت فراوان الهی همانند باران به همه رسیده است و نعمت

بی‌مضایقه‌اش همانند سفره‌ای در همه جا گسترده است.

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مایبوک روی همین جمله کلیک کنید

مفهوم: گسترده بودن رحمت و نعمت خداوند

قلمرو ادبی: تشبیه: باران رحمت - خوان نعمت (اضافه تشبیهی) / تناسب:

خوان و نعمت / سجع: رسیده و کشیده

قلمرو زبانی: «است» از انتهای دو جمله به قرینه معنایی حذف شده است:

همه را رسیده [است] و ... همه جا کشیده [است].

پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.

معنی: [خداوند] آبروی بندگان را به واسطه گناه آشکاری که مرتکب می شوند نمی برد و رزق و روزی آن ها را به علت گناه زشتی که انجام می دهند، قطع نمی کند.

مفهوم: ستار العیوب بودن خداوند / رزاق بودن خداوند

قلمرو ادبی: تشبیه: پرده ناموس (اضافه تشبیهی) / سجع: ندرد و نبرد /

کنایه: پرده دیدن آشکار کردن، رسوا کردن

قلمرو زبانی: «پرده» و «وظیفه» مفعول هستند.

فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.

معنی: [خداوند] به باد صبا دستور داده تا سبزه و گیاهان را همانند فرشی سبزرنگ پهن کند و به ابر بهاری امر کرده تا گیاهان را در روی زمین پرورش دهد.

مفهوم: توصیف قدرت خداوند / توصیف فصل بهار

قلمرو ادبی: تشبیه: فراش باد - دایه ابر - بنات نبات - مهد زمین (اضافه

تشبیهی) / تشخیص: فرش گستردن باد صبا - فرزند پروری ابر بهاری /

استعاره: فرش زمردین سبزه و چمن / تناسب: باد، ابر، بهار، نبات، زمین

- فراش و فرش - دایه، بنات و مهد / تلمیح: به آیه ۶ سورة النبأ: ﴿أَلَمْ

نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا﴾: آیا زمین را گهواره ای نگردانیدیم؟ / سجع: بگسترده

و بپرورد

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مذبوک روی همین جمله کلیک کنید
قلمرو زبانی | نهاد هر دو جمله «او» محذوف است و مرجع «او» خداوند است.

درختان را به خلعت نوروزی قبای سبز ورق در بر گرفته و اطفال شاخ را به
 قدوم موسم ربیع، کلاه شکوفه بر سر نهاده.

معنی: [خداوند] به عنوان هدیه نوروزی به درختان برگ داده و به واسطه
 آمدن فصل بهار، بر سر شاخه‌ها شکوفه نهاده است.

مفهوم: توصیف قدرت خداوند / توصیف فصل بهار

قلمرو ادبی | تشبیه: قبای ورق - اطفال شاخ - کلاه شکوفه (اضافه)

تشبیهی) / تناسب: درخت، ورق (= برگ)، شاخ (= شاخه) و شکوفه -

خلعت، قبا و کلاه - سر و کلاه / سجع: گرفته و نهاده / تشخیص:

خلعت پوشیدن درختان و کلاه داشتن شاخه

قلمرو زبانی | «قبا» و «کلاه» در هر دو جمله مفعول هستند.

عصاره تاکی به قدرت او شهید فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخل
 باسق گشته.

معنی: با پرورش خداوند است که عصاره درخت انگور تبدیل به عسل

خالص (= انگور) می‌شود و هسته خرما، نخلی بلند می‌گردد.

مفهوم: توصیف قدرت خداوند

قلمرو ادبی | سجع: فایق و باسق / تناسب: عصاره و شهید - خرما و نخل /

تلمیح: به آیه ۱۰ سورة ق: ﴿وَالَّتِخْلُ بَاسِقَاتٍ لِّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ﴾: و درختان

تناور خرما که خوشه‌های روی هم چیده دارند.

قلمرو زبانی | «است» از انتهای هر دو جمله به قرینه معنایی محذوف است: ...

شهید فایق شده [است] و ... باسق گشته [است].

ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا توانی به کف آری و به غفلت نخوری

همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری

معنی: تمامی عناصر هستی از جمله: ابر، باد، مه، خورشید و فلک در

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید
تلاش‌اند تا تو (انسان) رزق و روزیات را به دست آوری و آن را غافلانه
(= بدون شکرگزاری) نخوری، حال که همه عناصر از تو فرمانبرداری
می‌کنند، انصاف نیست که تو از خدا اطاعت نکنی.

مفهوم: ارزش وجودی انسان / لزوم فرمانبری انسان از خداوند
قلمرو ادبی: قالب شعر قطعه است و واژه‌های «نخوری و نبری» قافیه هستند.
مجاز: ابر، باد، مه، خورشید و فلک ➤ همه هستی - نان ➤ رزق و روزی
- کف ➤ دست / تضاد: فرمانبردار و فرمان‌نبردن / کنایه: به کف آوردن ➤
کسب کردن

قلمرو زبانی: در این قطعه سه بار ضمیر «تو» به کار رفته است که در هر
سه بار، مرجع آن «انسان» است.

در خبر است از سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و صفوت
آدمیان و تتمه دور زمان، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم.

معنی: در حدیثی از سرور، مایه افتخار و رحمت موجودات و کسی که
برگزیده انسان‌ها و مایه کمال گردش روزگار است - یعنی محمد مصطفی
- که درود خداوند بر او و بر خاندانش باد ... [آمده است].

مفهوم: ستایش پیامبر ﷺ «تتمه دور زمان» به خاتم‌الانبیاء بودن پیامبر
اسلام اشاره دارد.

قلمرو ادبی: تلمیح: به آیه ۱۰۷ سوره انبیا: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً
لِّلْعَالَمِينَ﴾ و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.
قلمرو زبانی: «واو» در سراسر این عبارت، عطف است.

شَفِيعٌ مُطَاعٌ نَبِيٌّ كَرِيمٌ قَسِيمٌ جَسِيمٌ نَسِيمٌ وَسِيمٌ

معنی: [پیامبر] شفاعت‌کننده، فرمانروا، رسول، بخشنده، زیبا، خوش‌اندام،
معطر و دارای نشان پیامبری است.

مفهوم: ستایش پیامبر ﷺ
pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مذبوک روی همین جمله کلیک کنید
قلمرو ادبی | جناس ناهمسان: قسیم، جسیم، نسیم و وسیم / واج آرایی: مصوّت
 /ـ و صامت‌های /م، /س /

بَلَّغَ الْعَلَى بِكَمَالِهِ، كَشَفَ الدُّجَى بِجَمَالِهِ حَسَنَتِ جَمِيعِ خِصَالِهِ، صَلَّوْا عَلَيْهِ وَآلِهِ
معنی: [پیامبر] با کمالاتش به بلندمرتبی رسید و با زیبایی‌اش تاریکی‌ها را
 از بین بُرد، همهٔ خلق و خویش نیکوست، بر او و خاندانش درود بفرستید.
مفهوم: ستودن پیامبر صلی الله علیه و آله به کمال، راهنما بودن و خلق نیکو
قلمرو ادبی | جناس ناهمسان: کمال و جمال / واج آرایی: صامت /ل /

چه غم دیوار اَمّت را که دارد چون تو پشتیبان؟
 چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

معنی: مردمی که پشتیبانی همچون تو دارند، در زندگی خود غمی
 ندارند؛ همان‌طور که افرادی که در کشتی نوح علیه السلام نشسته‌اند، از طوفان
 باکی ندارند.

مفهوم: پیامبر باعث آرامش و نجات اَمّت است.
قلمرو ادبی | پرسش در هر دو مصراع انکاری است. / تشبیه: دیوار اَمّت (اضافهٔ
 تشبیهی) - تو به پشتیبان (پشتیبان چوبی است که به جهت استحکام
 بر دیوار نصب کنند). / تلمیح: به داستان حضرت نوح علیه السلام / تناسب: موج،
 بحر، کشتی و نوح / تمثیل: مصراع دوم مثالی برای مصراع اوّل است.
 (اسلوب معادله)^۱

توجه | سعدی از «در خبر است» تا این‌جا به ستایش پیامبر اسلام
 پرداخته و از سطر بعد، حدیث پیامبر اسلام را آورده:

۱- با آرایهٔ «اسلوب معادله» در درس ششم آشنا خواهید شد.
 pdf.جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مذبوک روی همین جمله کلیک کنید

هرگه که یکی از بندگان گنهکارِ پریشان‌روزگار، دستِ انابت به امیدِ اجابت به درگاه حق، جَلَّ وَّعَلا بردارد، ایزد تعالی در او نظر نکند. بازش بخواند، باز اعراض فرماید. بارِ دیگرش به تضرُّع و زاری بخواند. حق، سبحانه و تعالی فرماید: یا ملائکتی قَدْ اسْتَحْيَيْتُ مِنْ عَبْدِی وَ لَیْسَ لَهُ غَیْرِی فَقَدْ غَفَرْتُ لَهُ. دعوتش اجابت کردم و امیدش برآوردم که از بسیاری دعا و زاری بنده همی شرم دارم.

معنی: هرگاه یکی از بندگان آشفته‌حال گناهکار، دستانش را به نشانهٔ توبه و به امید استجابت، به درگاه خداوند متعال بلند کند، خداوند متعال به او توجهی نمی‌کند. بار دیگر [بنده] خدا را می‌طلبد، [خداوند] باز روی گردانی و بی‌توجهی می‌کند. [بنده] بار دیگر خدا را با گریه و زاری طلب می‌کند. خداوند پاک و متعال می‌فرماید: ای فرشتگان من، از بنده‌ام خجالت می‌کشم و او هیچ کس غیر از من ندارد؛ پس او را بخشیدم. خواسته‌اش را برآورده کردم و او را به آرزویش رساندم؛ زیرا از دعای بسیار و گریستنِ بنده خجالت می‌کشم.

مفهوم: مداومت بنده بر توبه باعث بخشودن او می‌شود.

قلمرو ادبی: کنایه: پریشان‌روزگار ➡ بدبخت - نظر نکردن ➡ بی‌توجهی کردن - اعراض کردن ➡ بی‌توجهی کردن / جناس ناهمسان: انابت و اجابت - باز و بار / سجع: کردم و برآوردم / تضمین: آوردن حدیث در میان کلام **قلمرو زبانی:** «دست انابت» اضافهٔ اقترانی است. «ش» در «بازش» و «دیگرش» مفعول است و مرجع آن خداست. «ش» در «دعوتش» و «امیدش» مضاف‌الیه است و مرجع آن بنده است.

کَرَم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

معنی: بخشش و لطف خداوندی را ببینید که بنده گناه می‌کند، اما خداوند شرم‌منده می‌شود.

مفهوم: توصیف بخشش و لطف خداوند

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

قلمرو ادبی | تضاد: خداوندگار و بنده

قلمرو زبانی | فعل «است» پس از شرمسار محذوف است: او شرمسار [است].

عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبْدَنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ،
و واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که: ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ.

معنی: افرادی که به واسطه شُکوه و شوکت خداوند، دائماً مشغول عبادت هستند (یعنی عابدان و زاهدان)، به کوتاهی در عبادت خود معترف هستند [و به زبان حال می‌گویند: آن‌چنان که شایسته تو بود، تو را عبادت نکردیم و توصیف‌کنندگان زیبایی و جمال خداوند (یعنی عارفان) متحیرانه می‌گویند: آن‌چنان که شایسته تو بود، تو را نشناختیم.

مفهوم: عجز انسان در عبادت و شناخت خداوند

قلمرو ادبی | تشبیه: کعبه جلال (اضافه تشبیهی)، تضمین: آوردن حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله در میان کلام / جناس ناهمسان: جلال و جمال / تناسب: عاکف، کعبه و عبادت

قلمرو زبانی | دو فعل به قرینه معنایی در این عبارت حذف شده‌اند:

... به تقصیر عبادت معترف [هستند] ... به تحیر منسوب [هستند]

«ش» در «جلالش» و «جمالش» مضاف‌الیه است و مرجع آن خداوند است.

گر کسی وصف او ز من پرسد بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز؟
عاشقان گشتگان معشوق‌اند برنیاید ز گشتگان آواز

معنی: اگر کسی وصف او (= خداوند) را از من بپرسد، من عاشق نمی‌توانم معشوق بی‌نشان را وصف کنم. عاشق، کشته و فدایی معشوق است و از گشته صدایی بلند نمی‌شود.

مفهوم: وصف‌ناپذیری خداوند / عاشق حقیقی، سکوت می‌کند.

قلمرو ادبی | قالب شعر قطعه است و واژه‌های «باز و آواز» قافیه هستند.

pdf.جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مایابوک روی همین جمله کلیک کنید
 پرسش در بیت اول انکاری است. تشبیه: عاشق به گشته‌شده / واج‌آرایی:
 صامت / ش / در بیت دوم

قلمرو زبانی: «وصف و چه» در بیت اول هر دو مفعول هستند.

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت
 مستغرق شده. آن‌گه که از این معامله بازآمد، یکی از یاران به طریق انبساط
 گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟» گفت: «به
 خاطر داشتم که چون به درخت گل رسم، دامنی پُر کنم هدیهٔ اصحاب را.
 چون برسیدم، بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت!»

معنی: یکی از عرفا گوشه‌نشین شده بود و مراقب دل خود بود تا به غیر
 خدا توجهی نکند و در عالم کشف حقایق عرفانی غوطه‌ور بود. وقتی از
 این حالات عرفانی به حالت عادی برگشت، یکی از دوستان به شوخی و
 با حالت صمیمیت گفت: از این عوالم عرفانی که بودی، چه هدیه‌ای برای
 ما آوردی؟ گفت: در ذهنم بود که وقتی به معشوق رسیدم، توشه‌ای انبوه
 برای دوستانم بیاورم، اما وقتی به معشوق رسیدم، عطر جلوهٔ معشوق چنان
 سرمستم کرد که از خود بی‌خود شدم [و اکنون تحفه‌ای برای شما ندارم!].
مفهوم: تحیر و سرگستگی عارف در برابر خداوند

قلمرو ادبی: کنایه: سر به جیب مراقبت فرو بردن ➡ در تفکر عرفانی فرو رفتن -
 در بحر مکاشفت مستغرق بودن ➡ در عالم کشف حقایق عرفانی بودن -
 دامن پر کردن ➡ فراهم کردن، آماده کردن - مست کردن ➡ غرق نشاط
 عرفانی بودن - دامن از دست رفتن ➡ مدهوش شدن، بی‌اختیار شدن /
 تشبیه: بحر مکاشفت (اضافهٔ تشبیهی) / استعاره: جیب مراقبت / سجع:
 برده و شده - بودی و کردی / جناس ناهمسان: دوستان و بوستان / استعاره:
 بوستان ➡ عالم عرفان و معنویت - درخت گل ➡ عشق و معرفت الهی
 - بوی گل ➡ لذت ناشی از درک حقایق عرفانی / جناس ناهمسان: دست
 و مست

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مایبوک روی همین جمله کلیک کنید
قلمرو زبانی «بود» بعد از «شده» به قرینهٔ لفظی حذف شده است. ضمیر
 «م» در «گلم» مفعول است: بوی گل، من را چنان مست کرد ... و ضمیر
 «م» در «دامنم» مضاف‌الیه است: دامن، از دست من برفت.

ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد
 این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند کان را که خبر شد، خبری باز نیامد

معنی: ای بلبل! (= عاشق دروغین و مدعی) عشق حقیقی را از پروانه
 (= عاشق حقیقی) بیاموز؛ زیرا جان آن پروانه داغ‌دیده از بدنش بیرون رفت و
 صدایش درنیامد. این افراد مدعی در طلب خدا، بی‌خبر و خداشناس هستند؛
 زیرا خداشناس حقیقی که از اسرار الهی باخبر شده است، سکوت می‌کند.
مفهوم: عاشق حقیقی جان می‌دهد اما صدایش در نمی‌آید.

قلمرو ادبی: قالب شعر قطعه است و «نیامد» ردیف است و واژه‌های «آواز و
 باز» قافیه هستند. / نماد: مرغ سحر / عاشق دروغین - پروانه / عاشق
 حقیقی / کنایه: آواز نیامدن / آغانداشتن - خبری باز نیامدن / مُردن و
 جان باختن و یا سکوت کردن / تضاد: مرغ سحر و پروانه (تضاد مفهومی)
قلمرو زبانی: «ش» در «طلبش» مضاف‌الیه است. «را» در بیت اول، فکّ اضافه
 است: کان سوخته را جان شد / جان آن سوخته شد. (= رفت)

کارگاه متن‌پژوهی

قلمرو زبانی

جدول زیر را به کمک متن درس کامل کنید.

دارای نشان پیامبری	وسیم
شادی‌بخش	مفرّح
به خدای تعالی بازگشتن	انابت
قطع کردن مقرّری	بریدن وظیفه

pdf.جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید
۲ سه واژه در متن درس بیابید که هم‌آوای آن‌ها در زبان فارسی وجود دارد.

- پاسخ** ۱. قربات [= نزدیکی] ➡ غرابت [= شگفتی]
 ۲. حیات [= زندگی] ➡ حیاط [= محوطه بدون سقف در خانه]
 ۳. منسوب [= نسبت داده شده] ➡ منصوب [= نصب شده، گماشته]
۲ از متن درس برای کاربرد هر یک از حروف زیر، سه واژه مهم املائی بیابید و بنویسید.

پاسخ ح: تحفه، حیات، حلیه / ق: باسق، قربت، مستغرق / ع: تضرع، مطاع، اعراض

۴ در عبارت زیر، نقش دستوری ضمائر متصل را مشخص کنید.

■ بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت

پاسخ بوی گل، من (= مفعول) را چنان مست کرد که دامن از دست من (مضاف‌الیه) رفت.

۵ در متن درس، نمونه‌ای برای کاربرد هر یک از انواع حذف بیابید.

پاسخ الف. عاکفان کعبه جلالش به تقصیر عبادت معترف ➡ معترف [هستند] ➡ حذف به قرینه معنایی

ب. هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید مفرح ذات [است] ➡ حذف به قرینه لفظی

قلمرو ادبی

۱ واژه‌های مشخص شده نماد چه مفاهیمی هستند؟

■ ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز کان سوخته را جان شد و آواز نیامد

پاسخ مرغ سحر: نماد عاشقان و خداشناسان مدّعی و دروغین که فقط ادّعای خداشناسی دارند.

پروانه: نماد عارف و عاشق حقیقی که در راه عشق حق می‌سوزد، اما دم برنمی‌آورد و هیچ ادّعایی ندارد.



۲ برای خرید این کتاب از مهابوک روی همین جمله کلیک کنید
با توجه به عبارت‌های زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید.

■ باران رحمت بی حسابش همه را رسیده و خوانِ نعمت بی دریغش همه‌جا کشیده.

■ فزاش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده

تا بنات نبات در مهد زمین بی‌رود.

الف آرایه‌های مشترک دو عبارت را بنویسید.

پاسخ: سجع: رسیده و کشیده - بگسترده و بی‌رود

تشبیه: باران رحمت، خوانِ نعمت - فزاش باد، دایه ابر، بنات نبات، مهد زمین

ب- قسمت مشخص شده بیانگر کدام آرایه ادبی است؟

پاسخ: «فرش زمردین» استعاره از سبزه و چمن است.

قلمرو فکری

۱ معنی و مفهوم عبارت‌های زیر را به نثر روان بنویسید.

■ عاکفان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف که: ما عَبْدناكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ.

پاسخ: معنی: افرادی که به واسطه شکوه و شوکت خداوند، دائماً

مشغول عبادت هستند (یعنی عابدان و زاهدان)، به کوتاهی در عبادت

خود معترف هستند [او به زبان حال می‌گویند: آن چنان که شایسته تو

بود، تو را عبادت نکردیم.

مفهوم: ناتوانی انسان در عبادت کردن آن چنان که شایسته خداوند باشد.

■ یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود و در بحر مکاشفت

مستغرق شده.

معنی: یکی از عُرفا مراقب دل خود بود تا به غیر خدا توجهی نکند و در

عالم کشف حقایق عرفانی غوطه‌ور بود.

مفهوم: غرق عوالم عرفانی شدن

۲ مفهوم کلی مصراع‌های مشخص شده را بنویسید.

■ ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند

تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری

مفهوم: توصیه به غافل‌نبودن از خدا یا توصیه به شکرگزاری

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

■ برای خرید این کتاب از مهابوک روی همین جمله کلیک کنید
چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان؟

چه باک از موج بحر آن را که باشد نوح کشتیبان؟

مفهوم: مسلمانان با وجود پیامبر اسلام غم و غصه‌ای ندارند.

■ **گر کسی وصف او ز من پرسد بی دل از بی نشان چه گوید باز؟**

مفهوم: ناتوانی و عجز عارف از وصف خداوند

۲ از کدام سطر درس، مفهوم بیت زیر قابل استنباط است؟

■ هیچ نقّاشت نمی‌بیند که نقشی بر کشد

وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای

مفهوم: حیرت و سرگشتگی در برابر معشوق

قلمرو ادبی: تناسب: نقّاش، نقش، کلک / کنایه: کلک از بنان افتادن

■ نهایت حیرت و اعجاب / جناس همسان: که (حرف ربط) و که (کسی)

قلمرو زبانی: ضمیر «ت» در «نقّاشت» مفعول است؛ هیچ نقّاشت

نمی‌بیند. هیچ نقّاش تو را نمی‌بیند.

■ **پاسخ:** این بیت با دو عبارت زیر تناسب دارد:

۱. واصفان حلیه جمالش به تحیر منسوب که ما عرفناك حق معرفتك.

۲. چون برسیدم بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت.

گنج حکمت: گمان^۱

گویند که بطنی در آب روشنایی ستاره می‌دید. پنداشت که ماهی است؛
 قصدی می‌کرد تا بگیرد و هیچ نمی‌یافت.

معنی: می‌گویند یک مرغابی، درخشش ستاره را در آب می‌دید و فکر می‌کرد آن درخشش، ماهی است؛ تلاش می‌کرد تا آن را شکار کند و هیچ چیز نصیبش نمی‌شد.

۱- از کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه نصرالله منشی

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مایبوک روی همین جمله کلیک کنید

چون بارها بیازمود و حاصلی ندید، فرو گذاشت.

معنی: چون چندین بار امتحان کرد و نتیجه‌ای نگرفت، رها کرد.

قلمرو زبانی: «چون» به معنی «وقتی که» حرف ربط وابسته‌ساز است و این عبارت یک جمله مرکب است.

دیگر روز هرگاه که ماهی بدیدی، گمان بردی که همان روشنایی است؛ قصدی نپیوستی و ثمرت این تجربت آن بود که همه روز گرسنه بماند.

معنی: روز دیگر، هرگاه ماهی در آب می‌دید، فکر می‌کرد که همان درخشش ستاره است؛ قصد و تلاشی نمی‌کرد و نتیجه این تجربه این بود که همیشه گرسنه ماند.

مفهوم: از مقایسه و تعمیم نادرست باید دوری کرد.

قلمرو زبانی: «دیگر» صفت مبهم است که گاهی پیشین و گاهی پسین می‌آید، در این عبارت، صفت «روز» است. فعل «بدیدی» سوم شخص مفرد از ماضی استمراری است: می‌دید.

سوالات امتحان نهایی

قلمرو زبانی

۱- معنی واژه‌های مشخص شده را بنویسید.

(الف) نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی (دی ۹۹)

(ب) هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است. (دی ۹۸)

(پ) تخم خرمایی به تربیتش نخل باسق گشته. (شهریور ۱۴۰۰)

(ت) عاکفان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف (دی ۹۹)

(ث) در خبر است از سرور کاینات و صفوت آدمیان (شهریور ۹۹)

۲- معادل درست توضیح عرفانی زیر را از داخل کمانک انتخاب کنید. (خرداد ۹۸)

«کمال توجه بنده به حق و یقین بر این که خداوند در همه احوال، عالم بر ضمیر اوست» (مراقبت - مکاشفت)

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید
۳- در عبارت زیر یک نادرستی املائی وجود دارد: آن را بیابید و شکل درست آن را بنویسید.
 (شهریور ۹۸)

«عصارهٔ تاکی به قدرت او شهد فایغ شده.»

۴- املائی درست هر واژه را از داخل کمانک انتخاب نمایید.

الف) همه از (بهر - بحر) تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری
 (دی ۹۹)

ب) واصفان حلیهٔ جمالش به تحیر (منصوب - منسوب)
 (خرداد ۹۹)

۵- در بیت «همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار / شرط انصاف نباشد که تو فرمان نبری»

الف) کدام فعل حذف شده است؟

ب) نوع حذف را بنویسید.
 (خرداد ۹۹)

۶- در بیت زیر، کدام فعل حذف شده است؟ نوع حذف را تعیین کنید. (شهریور ۹۹)
 «بنده همان به که ز تقصیر خویش عذر به درگاه خدای آورد»

قلمرو ادبی

۷- با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید. (دی ۹۹)
 «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»

الف) یک مورد اضافهٔ تشبیهی در متن بیابید.

ب) کدام واژه استعاره است؟ مفهوم آن چیست؟

۸- قسمت مشخص شدهٔ متن زیر بیانگر کدام آرایهٔ ادبی است؟ (شهریور ۹۸)
 «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بنات نبات در مهد زمین پیرورد.»

۹- آرایهٔ ذکرشده در مقابل بیت زیر درست است یا نادرست؟ (خرداد ۹۹)

«چه غم دیوار امت را که دارد چون تو پشتیبان / چه باک از موج بحر آن را



که باشد نوح کشتیبان» (اسلوب معادله)

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مایبوک روی همین جمله کلیک کنید

قلمرو فکری

۱۰- ابیات و عبارات زیر را به نثر روان برگردانید.

الف) کرم بین و لطف خداوندگار گنه بنده کرده است و او شرمسار

(شهریور ۱۴۰۰)

ب) از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید

(دی ۹۹)

پ) یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.

ت) خوان نعمت بی دریغش همه جا کشیده.

ث) پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر

(دی و خرداد ۹۸)

نبرد.

ج) هر نفسی که فرومی‌رود ممد حیات است و چون برمی‌آید، مفرح ذات.

(شهریور ۹۹)

۱۱- هر یک از بیت‌های ستون اول با کدام مفهوم در ستون دوم متناسب

است (یک مفهوم اضافی است).

(دی ۹۹ با تغییر)

الف) از دست و زبان که برآید رازداری و سکوت عاشق

کز عهده شکرش به درآید

ب) این مدعیان در طلبش بی‌خبرانند اشتیاق پایان‌ناپذیر عاشق

کان را که خبر شد خبری باز نیامد ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

۱۲- با توجه به نوشته زیر دو مورد از صفات خداوند را بنویسید.

(دی ۹۹) «پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد و وظیفه روزی به خطای منکر نبرد.»

۱۳- با توجه به متن زیر، خداوند چه رسالتی را بر عهده هر یک از موارد «باد

صبا» و «ابر بهاری» قرار داده است؟

(شهریور ۹۹) «فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده و دایه ابر بهاری را فرموده

تا بنات نبات در مهد زمین بپرورد.»

برای خرید این کتاب از مایبوک روی همین جمله کلیک کنید

آزمون‌ها

آزمون (۱) نوبت اول

(۷ نمره)

قلمرو زبانی

۱- معنی هر یک از واژه‌های مشخص شده را بنویسید. (۱ نمره)

(الف) گویند بطی در آب روشنائی ستاره می‌دید.

(ب) آن که دید از حیرتش کَلک از بنان افکنده‌ای.

(پ) مسلک مرغ گرفتار قفس همچو من است.

(ت) زین را بر گُردۀ کهرها و کرندها نهادیم.

۲- در ابیات زیر، برای هر یک از واژه‌های «الف» و «ب» یک معادل معنایی

بیابید و بنویسید. (۵/۵ نمره)

■ چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور

■ برکش ز سر آن سپید معجر بنشین به یکی کبود اورند

(الف) وزیر (ب) سریر

۳- املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (۷۵/۵ نمره)

(الف) همه بیشی تو بکاهی همه کمی تو (فضایی - فزایی)

(ب) گفت از (بهر - بحر) غرامت جامهات بیرون کنم

(پ) بخروش چو (شرذه - شرزه) شیر ارغند

۴- در گروه کلمات زیر چهار مورد خطای املایی وجود دارد، آن‌ها را بیابید

و اصلاح کنید. (۱ نمره)

«حوزۀ ادیب بزرگ، بی‌خردان صقله، عن‌غریب و به‌زودی، شرحه‌شرحه از

فراغ، اصرار و رازها، چریغ آفتاب، کازیۀ روی میز، نمط و شطرنج»

pdf. جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

۵- درست و نادرست بودن هر یک از موارد زیر را مشخص کنید. (۵/۵ نمره)

در بیت «نهاده به هر طاق اندرون تخت زر / نشانده به هر پایه‌ای در گوهر»
طاق به معنی «سقف» است.



گروه اسمی «چشمه سرد آب» فاقد وابسته و وابسته است.

۶- با توجه به عبارت زیر به سؤالات پاسخ دهید. (۱ نمره)

«ما قدرت اجاره حیات در بست نداشتیم. روزی پدرم را به شهربانی خواستند. ظهر نیامد. مأمور امیدوارمان کرد که شب می‌آید. شب هم نیامد.»
الف) یک ترکیب وصفی در عبارت فوق بیابید.

ب) یک جمله با ساختار «نهاد + مفعول + مسند + فعل» در عبارت فوق بیابید.

پ) در عبارت فوق چند ترکیب اضافی به کار رفته است؟

ت) یک وابسته و وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه در این عبارت مشخص کنید.

۷- نوع حذف فعل را در موارد زیر مشخص کنید. (۵/۵ نمره)

الف) از سیم به سر یکی کله خود

ب) در هر نفسی دو نعمت موجود است و بر هر نعمتی شکری واجب.

۸- با توجه به بیت زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. (۷۵/۵ نمره)

«صد تیغ جفا بر سر و تن دید یکی چوب / تا شد تهی از خویش و نی‌اش نام نهادند»

الف) نقش ضمیر متصل «ش» در «نی‌اش» چیست؟

ب) کدام کلمه مسند است؟

پ) یک واژه هم‌آوا دار در این بیت مشخص کنید.

۹- نوع وابسته و وابسته را در عبارات زیر مشخص کنید. (۵/۵ نمره)

الف) دو دست لباس

ب) روسری سبز یشمی

۱۰- مشخص کنید کدام یک از فعل‌های مشخص شده اسنادی و کدام یک غیراسنادی است. (۵/۵ نمره)

الف) گفت والی از کجا در خانه خمار نیست؟

ب) عشق از بهر این معنی فرض راه آمد.

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

آزمون (۲) نوبت دوم خردادماه ۱۴۰۱

قلمروزیانی

(۷ نمره)

۱- در بیت زیر، یک برابر معنایی مناسب برای واژه «شادی» بیابید. (۲۵/۵ نمره)
«همه عزّی و جلالی، همه علمی و یقینی»

همه نوری و سروری، همه جودی و جزایی»

۲- برای هر یک از واژه‌های مشخص‌شده، یک برابر معنایی مناسب بنویسید. (۵/۵ نمره)

الف) اگر کوه آتش بود بسپرم

ب) به عنوان ولیمه کباب غاز صحیحی بدهد.

۳- معنی واژه «دستور» در بیت زیر با معنی آن در کدام گزینه یکسان است؟ (۲۵/۵ نمره)

«چه نیکو گفت با جمشید دستور که با نادان نه شیون باد و نه سور»

۱) گرایدونک دستور باشد کنون بگوید سخن پیش تو رهنمون

۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست لیک کس را دید جان دستور نیست

۳) به دستور فرمود تا ساروان هیون آرد از دشت، صد کاروان

۴) بر مصطفی بهر رخصت دوید از او خواست دستوری اما ندید

۴- املای درست را از داخل کمانک انتخاب کنید. (۵/۵ نمره)

الف) الّا و لله که امروز باید (ناهار - نهار) را با ما صرف کنی.

ب) شاهان باز شکاری را روی (شصت - شست) می‌نشانند و با خویشتن به شکار می‌برند.

۵- در هر یک از متن‌های زیر، واژه‌ای بیابید که دارای «هم‌آوا» باشد. (۷۵/۵ نمره)

الف) کشته هر سو بر کف و دیواره‌هایش نیزه و خنجر / چاه غدر ناجوانمردان /

چاه پستان، چاه بی‌دردان

ب) هر کسی از ظنّ خود شد یار من / از درون من نجست اسرار من

پ) در آن اثنا صدای زنگ تلفن از سرسرای عمارت بلند شد.

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مهابوک روی همین جمله کلیک کنید

۶- در هر یک از موارد زیر املاي یک واژه نادرست است؛ آن را بیابید و درست آن را بنویسید. (۵/۰ نمره)

(الف) پیرمرد از داخل کاذبه روی میز، یک پاکت کهنه را برداشت و حواله مخارج قریب شش ماه من را نوشت.

(ب) پس از عزیمت رضاشاه، همه تبعیدی ها رها شدند و به ایل و اشیره بازگشتند.

۷- در کدام گزینه غلط املايي دیده می شود؟ (۲۵/۰ نمره)

(۱) نهالی چند در هنگام ورود خویش در باغ غرس کرده بود.

(۲) کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستر خویش در آن می نگرست.

(۳) چنان می نمود که در چهارگوشه اتاق، درفش ملی ما را به احتزاز درآورده باشند.

(۴) قومی به اسارت دشمن درآید و مغلوب و مقهور گردد.

۸- با توجه به سروده زیر به پرسش ها پاسخ دهید. (۱ نمره)

«داشتم می گفتم، آن شب نیز / سورت سرمای دی بیدادها می کرد / و چه

سرمایی، چه سرمایی! / لیک، خوشبختانه آخر، سرپناهی یافتم جایی / ...

قهوه خانه گرم و روشن بود، همچون شرم ... / همگنان را خون گرمی بود.»

(الف) واژه «دی» کدام یک از انواع وابسته وابسته است؟

(ب) زمان کدام فعل «ماضی مستمر» است؟

(پ) نقش دستوری واژه «خوشبختانه» را بنویسید.

(ت) نوع واو مشخص شده را تعیین کنید.

۹- با توجه به بیت های زیر به پرسش ها پاسخ دهید. (۱ نمره)

(۱) از سیم به سر یکی گله خود ز آهن به میان یکی کمر بند

(۲) ای مشّت زمین بر آسمان شو بر وی بنواز ضربتی چند

(۳) ای مادر سرسپید، بشنو این پند سیاه بخت فرزند

(الف) در بیت اول، نوع حذف، قرینه لفظی است یا معنایی؟

(ب) کاربرد معنایی فعل «شو» اسنادی است یا غیراسنادی؟

(پ) یک ترکیب وصفی در بیت دوم بیابید.

(ت) هسته گروه اسمی «این پند سیاه بخت فرزند» را تعیین کنید.

pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

برای خرید این کتاب از مهابوک روی همین جمله کلیک کنید
۱۰- نمودار گروه اسمی «دو تخته فرش» را رسم کنید و نوع وابسته وابسته را در آن تعیین نمایید. (۵/۵ نمره)

۱۱- در همهٔ گزینه‌ها به جز جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» دیده می‌شود. (۵/۵ نمره)

۱) محبت چون به غایت رسد، آن را عشق خوانند.

۲) به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایهٔ نردبان نسازد.

۳) همواره عشق قدیم را موضوع صحیفهٔ شعر خود می‌گرداند.

۴) آتش عشق او را چنان گرداند که همهٔ جهان، آتش بیند.

۱۲- با توجه به بیت‌های زیر، درستی یا نادرستی گزاره‌های داده‌شده را تعیین کنید. (۱ نمره)

«صد هزاران سایهٔ جاوید، تو گم‌شده بینی ز یک خورشید، تو چون نگه کردند آن سی مرغ زود بی‌شک این سی مرغ آن سیمرغ بود خویش را دیدند سیمرغ تمام بود خود سیمرغ، سی مرغ تمام»
 الف) واژهٔ «تو» نقش تبعی تکرار و واژهٔ «خود» نقش تبعی بدل دارد.

ب) بیت دوم، یک جملهٔ غیر ساده است و مصراع اول، جملهٔ وابستهٔ آن است.

پ) نقش دستوری واژهٔ «تمام» در هر دو مصراع بیت سوم، «قید» است.

ت) مفهوم «آن» در واژهٔ «صد هزاران» همانند واژهٔ «آن» در واژهٔ «بهاران» است.

(۵ نمره)

قلمرو ادبی

۱۳- بیت زیر را با مصراع مناسب کامل کنید. (۵/۵ نمره)

.....»

من این زیبا زمین را آزمودم؛ میهن ای میهن!

pdf.جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf

پاسخ‌نامه تشریحی درس اول

- ۱- الف مثل، مانند، همسان (یک مورد کافی است).
 ب یاریگر، مددکننده (یک مورد کافی است).
 پ بلند، بالیده (یک مورد کافی است).
 ت کسانی که در مدتی معین در مسجد بمانند و به عبادت پردازند.
 ث برگزیده، برگزیده از افراد بشر
- ۲- مراقبت
- ۳- فایغ فایق
- ۴- الف بهر ب منسوب
- ۵- الف همه از بهر تو سرگشته و فرمانبردار [هستند].
 ب قرینه معنایی
- ۶- فعل است فای همان به [است]. به قرینه معنایی
- ۷- الف فراش باد صبا، دایه ابر بهاری، بنات نبات، مهد زمین (یک مورد کافی است).
 ب فرش زمردین، استعاره از سبزه‌ها و چمن‌ها
- ۸- استعاره
- ۹- درست است.
- ۱۰- الف بخشش و مهربانی خداوند را ببین که چه قدر زیاد است؛ بنده گناه می‌کند و او از گناه بنده‌اش خجالت زده است. ب هیچ کس نمی‌تواند با رفتار و سخنانش از عهده شکرگزاری خداوند برآید. پ یکی از عارفان در حال تفکر عارفانه و توجه به حق بود. ت سفره نعمت‌های بی‌مضایقه و سخاوتمندانه خداوند برای همه پهن شده است. ث خداوند آبروی بندگان را به خاطر گناه آشکار نمی‌برد.

۱- پاسخ‌های سؤالات امتحان نهایی از پاسخی که آموزش و پرورش در اختیار مصححان قرار داده، انتخاب شده تا با نحوه نوشتن پاسخ در امتحان نهایی آشنا شوید.
 pdf جیبی نمره باز ادبیات فارسی تشریحی دوازدهم خیلی سبز pdf



برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید
چ هر نفسی که پایین می‌رود (دم) یاری‌کننده زندگی است و هنگامی که
بالا می‌آید (بازدم) شادی‌بخش وجود است.

۱۱- الف- ناتوانی در سپاس‌گزاری از خداوند

ب- رازداری و سکوت عاشق

۱۲- ستّار العیوب بودن خداوند - روزی‌رسانی یا رزاق بودن خداوند

۱۳- باد صبا: سبزه‌ها را مانند فرشی در طبیعت پهن کند (برویاند) - ابر
بهاری: گیاهان را در زمین پرورش دهد.



برای خرید این کتاب از مذاپوک روی همین جمله کلیک کنید

پاسخ آزمون (۱) نوبت اول

- ۱- الف مرغابی، اردک ب انگشت، سرانگشت ب روش، طریق ت اسبی
که رنگ آن میان زرد و بور باشد.
- ۲- الف دستور ب اورند
- ۳- الف فزایی ب بهر ب شرزه
- ۴- الف بی خردان سفته الف عن قریب و به زودی الف شرحه شرحه از فراق
اسرار و رازها الف
- ۵- الف نادرست ب درست
- ۶- الف حیاط درست ب مأمور امیدوارمان کرد ب سه عدد (قدرت
اجاره- اجاره حیاط- پدرم) ت قدرت اجاره حیاط
- ۷- الف معنایی ب لفظی
- ۸- الف مفعول ب تهی یا نی ب خویش ب خیش
- ۹- الف ممیز ب صفت صفت
- ۱۰- الف غیراسنادی (وجود ندارد) ب اسنادی (در معنی «است»)



برای خرید این کتاب از مدابوک روی همین جمله کلیک کنید

پاسخ آزمون (۲) نوبت دوم خردادماه ۱۴۰۱

۱- سرور

۲- الف طی می کنم، می پیمایم

ب طعامی که در مهمانی و عروسی می دهند.

۳- **گزیده ۳**

۴- الف ناهار ب شست

۵- الف غدر ب ظن ب عمارت

۶- الف کازیه ب عشیره

۷- **گزیده ۲** اهتزاز

۸- الف مضاف‌الیه مضاف‌الیه ب داشتم می گفتم ب قید ب ربط

۹- الف معنایی ب غیراسنادی ب ضربتی چند

ب پند (یادآوری: گروه اسمی فقط یک هسته دارد.)

۱۰- رسم نمودار:

«دو تخته فرش»



نوع وابسته وابسته: ممیز

۱۱- **گزیده ۲** به عشق نتوان رسیدن تا از معرفت و محبت دو پایه نردبان نسازد.

۱۲- الف درست ب درست ب نادرست ب نادرست

۱۳- به دشت دل گیاهی جز گل رویت نمی‌روید